

Paradigm model of empowering elementary school teachers for management curriculums with a Fabak approach in the way of data-driven theory

Masoume Siari

Farhad Shafipour Mutlagh* shafiepour@iaumahallat.ac.ir

Abstract:

The purpose of the present research; The paradigmatic model of empowering primary school teachers to manage curricula has been the FABEC approach. This research is applied in terms of purpose and qualitative in terms of method-data theory of the foundation. The research environment included all primary education teachers of Khorramabad city (۱۴۰۱-۱۴۰۰) who participated in philosophy education workshops for children (Febak) in the number of ۱۸۹ people.) was continued in this research, the sample was continued in a purposeful way until the saturation of the data with the number of ۲۷ people. The research tool included an in-depth and unstructured interview. The three-tiered method was used to provide credit. To analyze the data, open coding, central coding and selective coding were used. In general, the results showed that the causal conditions of teachers' empowerment with the FAB approach based on ۳ selective codes (teaching learning mechanisms, teaching revision of curriculum elements, mental conflict, metacognitive training, thinking, philosophical spirit training), contextual conditions based on ۲ selective codes of affective context and organizational learning context, strategic conditions based on ۲ strategic selective codes of awareness procedures and empowerment strategy, intervention conditions based on ۲ selective codes of cognitive disability and psychological disability, the consequences of teacher empowerment were based on ۲ selective codes of educational efficiency and satisfaction with learning

Keywords: Empowerment of teachers, FEBK, school teachers, philosophical spirit, revision of the learner's path

مدل پارادیمی توانمند سازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت

برنامه های درسی با رویکرد فک به شیوه نظریه بر خاسته از داده

معصومه سیاری^۱

فرهاد شفیع پور مطلق^{۲*}

صص ۲۷ - ۴۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۴

چکیده

هدف تحقیق حاضر؛ مدل پارادیمی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فک بوده است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش، کیفی-نظریه داده بنیاد است. محیط تحقیق شامل کلیه معلمان آموزش و پرورش دوره ابتدایی شهر خرم آباد (۱۴۰۱-۱۴۰۰) بوده است که در کارگاههای آموزشی آموزش فلسفه برای کودکان (فک) به تعداد ۱۸۹ نفر شرکت داشتند شیوه نمونه گیری به روش نظری تا حد اشباع نظری (۲۷ نفر) تداوم یافت در این تحقیق نمونه به صورت هدفمند تا حد اشباع داده ها به تعداد ۲۷ نفر ادامه یافت. ابزار تحقیق شامل مصاحبه عمیق و غیر ساختار یافته بوده است. برای تأمین اعتبار از روش سه سویه سازی استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی استفاده شده است. بطور کلی نتایج نشان داد، شرایط علی توانمندسازی معلمان با رویکرد فک مبتنی بر ۶ کد گزینشی (آموزش سازوکارهای یادگیری، آموزش بازنگری عناصر برنامه درسی، درگیری ذهنی، آموزش فراشناختی، تفکر ورزی، آموزش روح فلسفی)، شرایط زمینه ای مبتنی بر ۲ کد گزینشی زمینه انگیرشی و زمینه یادگیری سازمانی، شرایط راهبردی مبتنی بر ۲ کد گزینشی راهبردی آگاه سازی رویه های و راهبرد توانمندسازی، شرایط مداخله ای مبتنی بر ۲ کد گزینشی ناتوانی شناختی و ناتوانی روانشناختی، پیامدهای توانمندسازی معلمان مبتنی بر ۲ کد گزینشی کارآمدی آموزشی و رضایت از یادگیری بوده است.

کلیدواژه ها: توانمندسازی معلمان، فک، معلمان مدارس، روح فلسفی، بازنگری مسیر یادگیر

^۱ کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

^۲ دانشیار رشته مدیریت آموزشی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

نویسنده مسئول: email: shafiepour@iaumahallat.ac.ir

مقدمه

مدیریت برنامه درسی با رویکرد فبک وابسته به توانمندسازی معلمان است. برنامه یک دارای سه بعد تفکر انتقادی، تفکر خالق و تفکر مراقبتی است (لیپمن، ۲۰۰۳). این برنامه به کودکان فرصت می دهد که در گفت و گویی در متن اجتماع پژوهشی مشارکت جویند. آموزش فلسفه به کودکان این امکان را می دهد که در عقاید و کشفیات یکدیگر سهیم شوند و استدلال ها و نظرات یکدیگر را مورد ارزیابی قرار دهند (کاناتو^۳، ۲۰۱۵). مادامی معلمان می توانند برنامه های درسی را مبتنی بر فبک برای دانش آموزان طراحی و اجرا نمایند که نسبت به آموزش فلسفه برای کودکان و مزیت های آن آگاهی داشته باشند (نقدعلی، محسن؛ و پناهی، ۱۳۹۰). این درحالی است که علی رغم اینکه توجه به فبک از سوی علاقه مندان به این حوزه صرفاً از روی فعالیت های مطالعاتی و تحقیقاتی صورت گرفته است اما با این وجود آگاهی چندانی معلمان به اهمیت آموزش فلسفه برای کودکان ندارند و اینکه چگونه برنامه های درسی را با رویکرد فبک اجرا نمایند، مسئله ای است که نیاز به توانمندسازی معلمان در این رابطه دارد (نوروزی، و همکاران، ۱۳۹۴).

بی شک، قابلیت و توانایی حرفه ای معلم برنامه های درسی را غنی و ضعف و ناتوانی اش از اعتبار و کیفیت برنامه به شدت می کاهد. وقتی هدف آموزش به جای یادگیری، خوب اندیشیدن و کشف معنا شود، رسالت معلم هم به جای سخنرانی و حافظه پروری، ترویج کندوکاو و پژوهش می شود (ملکی، ۱۳۸۵). تغییراتی را که در پی تسری رویکردهای تأملی، همچون برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، در بدنه نظام آموزش و پرورش اعمال شده است نباید صرفاً به منزله تغییری در سبک آموزش پنداشت. این امر شامل توسعه کل فرایند آموزشی است تا یادگیری مهارتهای تفکر در هر حوزه موضوعی جای گیرد. این بازنگری در فرایند آموزشی را، افزون بر توجه به نیازهای دانش آموزان برای جستجوی معنا، می توان پاسخی به نیازهای جدی و عمیق معلمان و مربیان در عصر بحرانهای آموزشی معاصر دانست. لزوم آموزش فلسفه برای کودکان، مفهوم معلم را با فردی خودآگاه، که تفکر تأملی و انتقادی را در کلاس ترویج می دهد، هم معنا کرده است. این تغییر رویکرد نیازمند آموزش افرادی است که بتوانند نگاه خود را به یادگیری، یاددهی، دانش آموز و دانش تغییر دهند. بنابه مطالعات تنها و احمدی (۱۳۹۶) معلمان باید بتوانند از انتقال دهنده دانش به تسهیل کننده و سازندگان یادگیری و تفکر تغییر موضع دهند. رویکرد آموزش فلسفه به کودکان، در پی پرورش تفکر دانش آموزانی است به گونه ای که بتوانند نحوه آموختن را بیاموزند (مرعشی، ۱۳۸۵). فلسفه برای کودکان به طریقی بنا نهاده شده است که در کودکان یک تا سیزده ساله سبب رشد عقلانی و دقت زیاد می شود و به آنها کمک می کند تا آن دسته از توانایی هایی که برای یک قضاوت صحیح در زندگی روزمره نیاز دارند (قاسمی، زارع و حقیقت، ۱۳۹۰). مهارت حل مسئله به دانش آموزان کمک می کند تا مقابله مؤثری با مشکلات و چالش های زندگی داشته باشند. تلری^۴ (۲۰۰۶) معتقد است که مهارت حل مسئله تلاش برای پیدا کردن راه حل برای شرایط دشوار است (نانگ، نایر و پراچاک^۵، ۲۰۱۴). آموزش با رویکرد فبک موجب می شود تا همواره دانش آموزان برای رفع مشکل، گام های منطقی بردارند (دمایرل، درمان و کاراجیدیک^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). مسئله اصلی تحقیق حاضر عبارت است از اینکه مدل پارادیمی توانمند سازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک چگونه است؟

آموزش فلسفه برای کودکان (فبک) برنامه آموزشی جدیدی است که هدفش پرورش قدرت تفکر و استدلال (به ویژه تفکر منطقی) در کودکان است (طبق تعریف یونیسف، کودکان از بدو تولد تا سن ۱۸ سال مورد نظر هستند) و برای رسیدن به این هدف از مفاهیم فلسفی به منزله موضوعات

^۳. Canuto

^۴. Tillery

^۵. Ngang, Nair, & Prachak

^۶. Demirel, Derman, & Karagedik

سودمند استفاده می کنند و پروراندن قدرت استدلال، خلاقیت، قضاوت و ساختن مفاهیم و تفکر دقیق و منطقی را مد نظر دارند و بر آن اند تا مهارت پرسیدن و به عبارتی فلسفه ورزی را آموزش دهند (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۹۴). بدیهی است که بدین طریق کودکان مسئولیت پذیر، جامعه پذیر، تیزبین، همراه با خودباوری در سطح بالا و صاحب روحی آرام و با روحیه همکاری و دارای رفتارهای اخلاقی خوب در سطح مدرسه و جامعه خواهند شد. اگر آموزش کودکان را مربی ناآزموده و غیرحرفه ای بر عهده گیرد که با مهارت های فلسفی تفکر و استدلال و به چالش کشیدن آنها در این زمینه آشنا نیست و ناشیانه عمل می کند و یا خود عامل به علم خویش نیست، ضایعه ای بر جای خواهد گذاشت که جبران آن به سادگی امکان ندارد و اثرات آن سال ها در زمینه تربیتی و آموزشی، به طور کاملاً محسوس بر جای خواهد ماند. بنابراین در ابتدا، تربیت مربی ورزیده و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف آموزش فلسفه و کودک در اولویت است؛ زیرا مربی به منزله نخستین پایه بحث در کلاس، مجری و هدایتگر این طرح، نقش کلیدی را ایفا می کند.

با برنامه فبک، کودکان و نوجوانان در دوران مدرسه مهارت های عمومی پژوهش و کندوکاو را می آموزند، تا در زمان ورود به دانشگاه توانایی انجام پژوهش را داشته باشند. همان گونه که پیش تر بیان شد، فلسفه در اینجا به معنای فلسفه رسمی، مانند فلسفه کانت، ارسطو یا هر نظام فلسفی دیگر نیست؛ بلکه به معنای خاص دیگری مطرح می شود. در اینجا فلسفه را می توان به معنای روش دیالکتیک سقراطی یا به معنای کندوکاو فکری یا تحقیق و جست وجوی حقیقت، یا به منزله همه مهارت های لازم برای اخذ یک تصمیم درست یا معقول در نظر گرفت. به عبارت دیگر، بیشتر عمل فلسفه ورزی اهمیت می یابد، نه حفظ طوطی وار نظام های فکری سابق (گندم کار، و همکاران، ۱۳۹۴). توانمندسازی معلمان مدارس به منظور توسعه آموزش فلسفه برای کودکان تا حدی اهمیت دارد که کارگاههای تربیت مربی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در رابطه با مبانی فلسفه برای کودکان در ابعاد روانشناسی کودک، فلسفه و تعلیم و تربیت برگزار شده است گرچه کارگاههای تربیت مربی فبک برای تأمین منابع محتوایی با کمبودهایی مواجه هستند (هدایتی، ۱۳۹۴). معلمان توانمند با اجرای برنامه فبک کمک نمایند. از جمله فواید این برنامه می توان به بالا رفتن سطح فکری کودکان، و بهبود کیفیت درسی دانش آموزان در مدارس در همه دروس اشاره کرد (هینز، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸). فلسفه، کنجکاوای بچه ها را برای استدلال، حل مشکل، تصور و خلاقیت بر می انگیزد؛ مهارت های ارتباطی آنها را رشد می دهد و بدین ترتیب می توانند حرف بزنند، گوش دهند و نوبت بگیرند. فلسفه به آنها زبان گفت و گو و چگونگی برقراری ارتباط را می آموزد، و یاد می گیرند شهروندی با اخلاق باشند و مسئولیت اعمال و عقاید خود را بپذیرند (ناجی، عسگری، و پوست فروش فرد، ۱۴۰۲).

پیشینه تحقیق

مطالعه جواهری (۱۳۹۹) با عنوان «واکاوی مهارت های عمومی و اختصاصی در مربیگری فلسفه برای کودکان» نشان داد، اصلی ترین مهارت های عمومی برای مربیگری فلسفه برای کودکان، عبارتند از تسهیل گر باورهای نو، تسهیل گر با نگرش های مثبت و تسهیل گر منصف و نوع دوست، و همچنین برای مربیگری فلسفه برای کودکان (فبک)، پنج مهارت مورد نیاز می باشند که عبارتند از پای بندی به تفکر تأملی، پای بند به اصل حرکت و پیش روی در یاددهی و یادگیری، پای بندی به ایجاد رفاقت به جای رقابت، پای بندی به مسئله گشایی و یادگیری اکتشافی و مهارت پایانی، پای بندی به اصل دانش آموز محوری و یادگیری مشارکتی. همچنین کسانی که اقدام به پرورش مربی آموزش فلسفه برای کودکان می کنند، این مهارتها را اساس کارآموزشی خود قرار داده و در انتخاب افراد اصلح و توانمند برای مربی گری فلسفه برای کودکان این مهارتها را ابتدا در این افراد موردسنجش قرار دهند.

مطالعه دهسلمی، خزاعی و شیبک (۱۳۹۹) با عنوان «فبک و ایجاد تعلیم و تربیت نوین» نشان داد، فلسفه برای کودکان، برنامه ای آموزشی است که هدفش پرورش قدرت تفکر و استدلال در کودکان است و روش خود را بر اساس پژوهش گروهی (حلقه های کندوکاو) پایه گذاری کرده، و در صدد تربیت انسانهایی متفکر، آگاه، هدفمند، با شعور و خداجوست. اصطلاح فلسفه در این برنامه، نه به معنای عقاید و آرای فلسفی، بلکه اشاره کننده

به جنبه دیگر فلسفه، یعنی مهارت فلسفه ورزی است. از آنجا که در قرآن کریم امر به تفکر شده است و در اسلام، تفکر عبادت به شمار می رود، نهایتاً نتیجه گرفتیم که این برنامه با اهداف حاکم بر آموزش و پرورش اسلامی هماهنگی دارد و می تواند یکی از برنامه های مهم در جهت تحول آموزشی و پیشرفت کشورمان باشد.

بنابه مطالعه صابری، عباسی، قاضی و علی عسگری (۱۳۹۹) با عنوان «طراحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در دوره اول متوسطه ایران»، مولفه برنامه درسی فیک مشتمل بر ۱۰ بُعد، منطق یا چرائی (۲۶ شاخص)، اهداف (۳۹ شاخص)، ویژگی های محتوا (۸ شاخص)، فرم های محتوا (۷ شاخص)، روش های یاددهی-یادگیری (۱۳ شاخص)، ویژگی های تسهیلگر (۱۲ شاخص)، ویژگی های محیط آموزش (۴ شاخص)، ارزشیابی (۱۹ شاخص)، گروه بندی (۳ شاخص) و زمان (۴ شاخص)، اولویت بندی شدند.

مطالعه کلهر و مهران (۱۳۹۶) با عنوان «تأثیر استراتژی نقشه مفهومی بر مهارتهای تفکر انتقادی دانش آموزان» نشان داد، تفاوت معناداری بین نمرات تفکر انتقادی دانش آموزان گروه آزمایش و کنترل را نشان داد که بیانگر تأثیر مثبت استراتژی آموزشی نقشه مفهومی بر توسعه مهارتهای تفکر انتقادی دانش آموزان است.

مطالعه تنها واحمدی (۱۳۹۶) با عنوان «واکاوای برنامه فلسفه برای کودک: تأکید بر عناصر برنامه درسی اهداف، اصول، محتوا، روش تدریس، معلم، دانش آموز» بیانگر آن است که فلسفه برای کودکان اقدامی آموزشی است که به بهبود تفکر در کودکان می پردازد و از فلسفه، به منزله شیوه ای برای پرورش تفکر اخلاقی، تفکر خلاق و تفکر انتقادی بهره می برد. همچنین یافته ها نشان داد فلسفه برای کودکان یک برنامه آموزش تفکر است و می توان برای آن اهداف ارتقای مهارت استدلال؛ مهارت تفکر خلاق؛ پرورش تفکر انتقادی؛ مهارت پردازش اطلاعات؛ تقویت ارزش های اخلاقی؛ پرورش ارزشهای هنری؛ تقویت خودآگاهی؛ آموزش شهروندی؛ مهارت های ارزشیابی؛ رشد فردی و میان فردی؛ پرورش توانایی مفهوم یابی در تجربه؛ حل مسئله را بیان کرد. پرکاربردترین و اثربخش ترین محتوای های مورد استفاده در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان داستان کوتاه فلسفی؛ کتاب های عکس دار؛ اشعار؛ نقاشی ها و عکس ها؛ نمایش، تیاترو تجارب دست اول؛ موزیک؛ تلویزیون و ویدیو بود. در برنامه آموزشی فلسفه برای کودک روش کلاسداری به شیوه اجتماع پژوهشی بود و نقش معلم در برنامه فیک از انتقال دهنده دانش به تسهیل کننده و نقش شاگردان نیز از گیرندگان اطلاعات به سازندگان یادگیری و تفکر تغییر موضع داده است.

مطالعه نقدعلی و پناهی (۱۳۹۰) با عنوان «ارتباط اجتماع پژوهشی در برنامه فلسفه برای کودکان با روشهای تدریس فعال و مشارکتی»، حاکی از ارتباط بین این دو رویکرد در اهداف و روش رسیدن به اهداف است. این دو روش آموزش از نظر محتوا و شیوه ارزشیابی متفاوت اند، اما هدف هر دو فعال کردن فراگیران در روند یادگیری و رشد مهارتهای فکری و ذهنی و ایجاد توانمندی های اجتماعی آنان است. از آنجایی که یکی از اهداف مشترک روش اجتماع پژوهشی و روشهای تدریس فعال دستیافتن به خلاقیت است، پیشنهاد میشود نظام آموزشی، با بهره گیری مناسب از این دو رویکرد، در جهت رشد قوای خلاقه کودکان گام مؤثری بردارد.

یافته های پژوهشی هدایتی (۱۳۸۸) بیانگر این است که آموزش فلسفه برای کودکان رویکرد کودک محور دارد و کودک را از محدودیت های مدرسه رها می سازد و بر یادگیری و ساختن دانش تأکید دارد.

بررسی مطالعات حسینی (۱۳۸۸) نشان می دهد که کودکان قابلیت و توانایی های استدلالی و فکری در یک اجتماع پژوهشی را دارند. چون انسانها برای زندگی در دنیای پرچالش و متروکل امروز نیازمند مهارتهای فکری سطح بال از جمله: تفکر نقاد، خلاق و استدلالی هستند و چنین مهارتهایی از طریق آموزش و تمرین در برنامه فلسفه برای کودک قابل دستیابی هستند.

مطالعه کانتو (۲۰۱۸) با عنوان «توسعه ابزارهای سنجش مهارتهای تفکر و حل مسئله در میان دانش آموزان ابتدایی مالی» نشان داد، معلمان باید برای بررسی و توسعه تفکر دانش آموزان برای حل مسئله از ابزارهای سنجش و شیوه های اجرای آنها آگاهی یابند.

بنابه مطالعه کارادوگ و دیمیرتاس^۷ (۲۰۱۸) با عنوان «اثربخشی برنامه درسی فلسفه با کودکان بر مهارت های تفکر انتقادی کودکان پیش دبستانی» ساختاری که با اصطلاح «فلسفه» وارد زندگی ما شد. برای کودکان (P4C) در دهه ۱۹۷۰ روشی برای رشد انتقادی است. تفکر در کودکان از طریق گفتگوی فلسفی ایجاد شده توسط متیو لیپمن فیلسوف آمریکایی. این رویکرد است. در همکاری با غنی سازی نقطه یک گروه بهبود یافته است. چشم انداز. رویکرد فلسفه برای کودکان نیز به عنوان «فلسفه با کودکان (PWC)» توسط افراد مختلف ترویج شده است. فیلسوفانی که علاوه بر لیپمن در این زمینه نیز کار کرده اند. مطالعات. هدف این پژوهش درک اثربخشی برنامه درسی فلسفه با کودکان بر انتقادی است. فکر کردن. به همین منظور سوالات زیر مطرح شد: برنامه درسی «فلسفه با کودکان» چه تأثیراتی دارد؟ بر رشد مهارت های تفکر انتقادی کودکان؟، «آیا اثربخشی برنامه درسی «فلسفه با کودکان» متفاوت است. بر اساس نوع مدرسه آنها؟»، «نظرات چیست؟ از کودکانی که در «فلسفه با کودکان» شرکت کردند. برنامه درسی در مورد این برنامه؟» این مطالعه از طرح نیمه تجربی بدون گروه کنترل استفاده شد. پیش آزمون و داده های پس آزمون گروه ها با استفاده از «مقیاس تفکر انتقادی از طریق تحقیق فلسفی» برای کودکان پیش دبستانی علاوه بر این، به منظور دستیابی به اجتماعی روایی پژوهش، مصاحبه های نیمه ساختاریافته بود. با گروه مطالعه و ۳ معلمی که به عنوان عمل کردند انجام شد. ناظران در طول مطالعه بر اساس یافته ها مشاهده شد که برنامه درسی «فلسفه با کودکان» بر آن مؤثر بود. مهارت های تفکر انتقادی. با توجه به داده های پیش آزمون، وجود نداشت تفاوت معنادار بین نمرات تفکر انتقادی کودکان در مدرسه دولتی و کودکان در مدارس خصوصی قبل از شروع برنامه پس از برنامه اجرا شده در نور از نتایج پس آزمون، نمرات تفکر انتقادی هر دو گروه افزایش یافت. در هر دو گروه آزمایشی، نمرات کلی و نمرات خرده مقیاس تفکر انتقادی به دست آمد در پیش آزمون "متوسط" و در پس آزمون "بالا". تجزیه و تحلیل در مورد نظرات دانش آموزان و معلمان در مورد برنامه نشان داد که آنها عموماً برداشت های مثبتی داشتند.

بنابه مطالعه راهدار، پورقاز و مرزیار^۸ (۲۰۱۸) با عنوان «تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر گشودگی انتقادی و شک گرایی تأملی در رشد تفکر انتقادی و خودکارآمدی» در مؤلفه های تفکر انتقادی، تفکر انتقادی و خودکارآمدی بین این دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش فلسفه برای کودکان تأثیر مثبتی بر افزایش خودکارآمدی، تفکر انتقادی و مؤلفه های آن (باز بودن انتقادی و شک تأملی) داشت.

بنابه مطالعه گوراد، سیدوکی و سی^۹ (۲۰۱۸) با عنوان «فلسفه برای کودکان: گزارش ارزشیابی و خلاصه اجرایی»، آموزش فلسفه برای کودکان موجب بلوغ فکری آنها می شود و از اینرو توانایی تحلیل مسائل را در آنها بهبود می بخشد.

بنابه مطالعه بارو^{۱۰} (۲۰۱۵) با عنوان «فکر می کنم او یاد گرفته است که چگونه به کلاس اجازه دهد صحبت کند: دیدگاه های کودکان درباره فلسفه برای کودکان به عنوان آموزش مشارکتی» نظرات کودکان حاکی از آن است که آنها از حمایت همسالان و معلمان بهره مند شده اند، زیرا آنها در مورد نحوه پاسخگویی به یکدیگر در گفتگو کار می کنند. آنها همچنین نیاز به توسعه برخی مهارت های خاص را برای فعال کردن مشارکت آنها در گفتگوی کل کلاس نشان دادند و قوانین اساسی و استراتژی های تسهیل را مفید دانستند. در نهایت، علی رغم تسلط گروهی کوچک و منفی بافی نسبت به همسالان که نیاز به حمایت آشکار معلم دارند، یافته ها نشان می دهد که کودکان در طول جلسات هفتگی P4C متوجه تغییراتی در الگو و کنترل صحبت شدند. تغییرات ذکر شده توسط کودکان در اینجا به عنوان منعکس کننده برخی مذاکرات مربوط به مرجعیت معرفتی در جلسات P4C تفسیر می شود. برخی از مسائل حساس اجتماعی و سیاسی که توسط یافته ها مطرح شده اند، نیاز به توجه به کیفیت روابط بین کودکان و اهمیت بازتاب پذیری پزشک را برجسته می کنند.

^۷. Karadağ, & Demirtaş

^۸. Rahdar, Pourghaz, & Marziyeh

^۹. Gorard, Siddiqui, & See

^{۱۰}. Barrow

فراهانی^{۱۱} (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی چالش های آموزش فلسفه به کودکان، به سی چالش عمده آموزش فلسفه به کودکان» اشاره کرد که از مهمترین آنها به این شرح است: مفهوم فلسفه به عنوان یک رشته، فقدان مربیان آموزش دیده و ماهر برای آموزش فلسفه به کودکان، نقش مبهم معلم در این نوع از آموزش، استفاده شتاب زده از آموزش فلسفه برای کودکان، ناآگاهی خانواده ها از آموزش فلسفه برای کودکان، و عدم رشد شناختی کودک برای درک مفاهیم انتزاعی برنامه های آموزش فلسفه برای کودکان.

مطالعه کم^{۱۲} (۲۰۱۴) نشان داد، فیک، تفکر مراقبتی را در خود دارد؛ زیرا روابط اعضای اجتماع پژوهشی، باعث ایجاد اعتماد و توجه دانش آموزان نسبت به یکدیگر و مراقبت از فرایند پژوهش می شود و از این طریق به پرورش عواطف کمک می کند.

بنابه مطالعه تورگون^{۱۳} (۲۰۱۲) با عنوان «جایگاه "فلسفه" در آماده سازی معلمان برای تدریس فلسفه پیش دانشگاهی - یادداشت هایی برای گفتگو «بسیاری از معلمانی که با ایده فلسفه برای کودکان و با کودکان مواجه می شوند، با مفاهیم اجتماع، گفتگو، پرسش و یادگیری زندگی می کنند. در بسیاری از موارد، ایده "انجام فلسفه برای کودکان" را از یک کتاب، وب سایت، مقالات روزنامه یا شرکت در یک کارگاه کشف می کنند. این مربیان در آموزش و کار با کودکان مهارت بالایی دارند. آنها دیدگاه ها و نیازهای فرزندان و جوانان خود را درک می کنند. آنها در یادگیری مشارکتی و آموزش تلفیقی که بر اهمیت مشارکت دانش آموزان در تحقیق تأملی تأکید می کند، متبحر هستند. معلمان خود را شنوندگان و تسهیل کننده های خوبی برای یادگیری کودکان می دانند و به نظر می رسد که فلسفه بسط طبیعی این الگوی ارتباطی آموزش است.

سوالات تحقیق

۱. ابعاد و مؤلفه های توانمند سازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک کدامند؟
۲. مدل پارادایمی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک چگونه است؟

روش تحقیق

در این تحقیق از روش نظریه داده بنیاد استفاده شد که از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش، کیفی بوده است. این روش تحقیق یکی از روش های کیفی از نوع استقرایی است. بدین شیوه، محقق در میدان تحقیق به جمع آوری اطلاعات و داده ها می پردازد و بدین طریق نظریه شکل می گیرد (دانیکن، ۲۰۰۶). محیط تحقیق شامل کلیه معلمان آموزش و پرورش شهر خرم آباد (۱۴۰۰-۱۴۰۱) است که در کارگاههای آموزشی آموزش فلسفه برای کودکان (فیک) شرکت داشتند و تدریس خود را بر اساس فیک طراحی کردند. شیوه نمونه گیری به روش نظری تا حد اشباع داده ها بوده است در این تحقیق نمونه گیری به صورت هدفمند تا حد اشباع داده ها ادامه یافت. ۵۱/۸۵٪ از مصاحبه شوندهگان زن و ۴۸/۱۵٪ از مصاحبه شوندهگان مرد بوده اند. ۳۳/۳۳٪ از مصاحبه شوندهگان دارای سابقه خدمت ۱-۱۰ سال، ۴۴/۴۵٪ از مصاحبه شوندهگان دارای سابقه خدمت ۱۱-۲۰ سال و ۲۲/۲۲٪ از مصاحبه شوندهگان دارای سابقه خدمت بالاتر از ۲۰ سال بوده اند. ۳۷/۰۳٪ از مصاحبه شوندهگان در گروه سنی ۲۵-۳۵، ۴۴/۴۵٪ از مصاحبه شوندهگان در گروه سنی ۳۶-۴۶، و ۱۸/۵۲٪ از مصاحبه شوندهگان در گروه سنی بالاتر از ۴۶ سال بوده اند. ۵۹/۲۵٪ از مصاحبه شوندهگان در رشته علوم انسانی و ۴۰/۷۵٪ از مصاحبه شوندهگان در سایر رشته ها بوده اند. ابزار تحقیق شامل مصاحبه عمیق و غیرساختار یافته بوده است که بتدریج و بر اساس پاسخ های مصاحبه شوندهگان شکل گرفت و داده های مورد نظر جمع آوری شد.

اعتباریابی مصاحبه ها از طریق سه سویه سازی صورت پذیرفت بدین ترتیب که اطلاعات بدست داده شده بر اساس زمان، مکان و مصاحبه شونده های مختلف انطباق سازی می شود تا همسویی اطلاعات برگرفته از مصاحبه ها اعتباریابی شوند. تحلیل داده های کیفی، بر اساس نظام گذگاری

^{۱۱} . Farahani

^{۱۲} . Cam

^{۱۳} . Turgeon

باز، کُدگذاری محوری و کُد گذاری انتخابی صورت پذیرفت. بدین روش، مفاهیم بر اساس مشابهت‌هایشان مورد طبقه‌بندی قرار گرفتند و مبتنی بر نظام دسته‌بندی، کدهای باز، محوری و انتخابی فراهم شدند.

برای قابلیت اطمینان از چهار معیار کوباولینکن (۱۹۹۸) قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اتکا، قابلیت تأیید استفاده شد. قابلیت اعتبار به این معنی که اطمینان حاصل شود که مطالعه دقیقاً بیانگر تجربه‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌باشد برای این کار گزارشات قبل از ارایه نهایی به مشارکت‌کنندگان داده شد درستی آن‌ها تأیید و حتی در بعضی از بخش‌های مصاحبه، شرکت‌کنندگان مطالبی را تصحیح، یا حذف و اضافه نمودند. برای قابلیت انتقال پژوهشگر تلاش نمود تا توصیف خود را با استفاده از عبارت‌های مرتبط با بافت انجام دهد به گونه‌ای که اگر شخصی گزارش تحقیق را می‌شنود یا می‌خواند محیط تحقیق را به درستی درک نماید. برای این کار در پیاده کردن مصاحبه‌ها تمام جزئیات بافت با دقت ذکر شده تا امکان مقایسه و انتقال به بافت‌های دیگر مهیا شود. قابلیت اتکا، یعنی تحقیق باید به گونه‌ای انجام شود که امکان بررسی آن توسط یک حسابرس خارجی وجود داشته باشد در این صورت افراد دیگر می‌توانند فرایند جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر آن‌ها را بررسی کنند برای این کار، دست‌نوشته‌ها و توصیفات محقق برای بررسی در اختیار یکی از اساتید با سابقه قرار گرفت. برای قابلیت تأیید از راهکار بازتاب‌پذیری استفاده گردید.

یافته‌ها

سؤال اول تحقیق

ابعاد و مؤلفه‌های توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه‌های درسی با رویکرد فیک کدامند؟

جدول ۱. شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه‌های درسی با رویکرد فیک

شرایط علی	کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
	آموزش سازوکارهای یادگیری	آموزش انتخاب ابزارها بر حسب سطح یادگیری	آموزش انتخاب ابزارهای مناسب بر اساس اهداف یادگیری، آموزش انتخاب ابزارهای مناسب بر اساس شیوه‌های یادگیری، آموزش انتخاب ابزارهای مناسب بر اساس نوع ارزشیابی، آموزش انتخاب ابزارهای مناسب بر اساس سطوح یادگیری،
		آموزش انتخاب ابزارها بر حسب فعالیتها	آموزش انتخاب ابزارهای مناسب بر اساس فرایندهای یادگیری، آموزش انتخاب ابزارهای مناسب بر اساس فعالیت‌های یادگیری،
	آموزش بازنگری عناصر برنامه درسی	آموزش بازنگری زمینه برنامه درسی	آموزش بازنگری در بیان اهداف یادگیری، آموزش بازنگری در بیان ابزارهای یادگیری، آموزش بازنگری در بیان شیوه‌های یادگیری، آموزش بازنگری در بیان فعالیت‌های یادگیری، آموزش بازنگری در بیان محتوای یادگیری، آموزش بازنگری در نحوه ارزشیابی از محتوای یادگیری، آموزش بازنگری در انتخاب فرصت‌های یادگیری محتوای درسی
		آموزش بازنگری مسیر یادگیری	آموزش بازنگری در طراحی مسیر یادگیری محتوای درسی، آموزش بازنگری در نحوه درگیری کردن در فرایندهای یادگیری، آموزش بازنگری در تشویق به خلاقیت در یادگیری محتوای درسی، آموزش بازنگری در نحوه بازسازی محتوا برای یادگیری عمیق‌تر، آموزش بازنگری در کشف حلقه‌های مفقوده یادگیری محتوای درسی

درگیری ذهنی	آموزش نحوه مقوله بندی محتوای درسی به دانش آموزان، آموزش نحوه دسته بندی محتوای درسی به دانش آموزان، آموزش نحوه نظم دهی محتوای درسی به دانش آموزان، آموزش نحوه تشخیص عناصرمحتوای درسی به دانش آموزان، آموزش نحوه برقراری عناصر عناصرمحتوای درسی به دانش آموزان،	آموزش نحوه درگیری ساختاری
	آموزش نحوه فعالیت های شناختی به منظور یادگیری محتوای درسی به دانش آموزان، آموزش نحوه اولویت بندی یادگیری محتوای درسی به دانش آموزان، آموزش نحوه تمییز دادن محتوای محتوای درسی به دانش آموزان، آموزش نحوه مقایسه کردن عناصرمحتوای درسی به دانش آموزان،	درگیری شناختی
	آموزش نحوه فعالیت های روانی-حرکتی به منظور یادگیری محتوای درسی به دانش آموزان	درگیری روانی-حرکتی
	آموزش نحوه فعالیت های انگیزشی به منظور یادگیری محتوای درسی به دانش آموزان،	درگیری عاطفی
آموزش فراشناختی	آموزش نحوه توسعه خود تنظیمی در یادگیری محتوا، آموزش نحوه توسعه محتوا، آموزش نحوه توسعه خود سازماندهی محتوا در دانش آموزان، آموزش نحوه توسعه خود دقت ورزی در دانش آموزان، آموزش نحوه توسعه خود ربط دهی محتوا به یکدیگر در دانش آموزان، آموزش نحوه توسعه خود برنامه ریزی یادگیری در دانش آموزان	آموزش نحوه راهبری
	آموزش نحوه توسعه خود نظارتی محتوا در دانش آموزان، آموزش نحوه آموزش نحوه توسعه خود کنترلی در یادگیری محتوا،	آموزش خودنظارتی
	توسعه خود ارزیابی در یادگیری محتوا، آموزش نحوه توسعه خود انتقادی در یادگیری محتوا، آموزش نحوه توسعه خود تحلیلی در یادگیری محتوا،	آموزش تفکر خودانتقادی در یادگیری
تفکر ورزی	پرورش تفکر نقادانه در دانش آموزان، پرورش تفکر بازآفرینی در دانش آموزان، پرورش تفکر منطقی در دانش آموزان، پرورش تفکر نوآورانه در دانش آموزان، پرورش تفکر تحلیل گرانه در دانش آموزان، پرورش تفکر حل مسئله در دانش آموزان، پرورش تفکر استقرائی در دانش آموزان، پرورش تفکر قیاسی در دانش آموزان، پرورش تفکر قیاسی-استقرائی در دانش آموزان،	پرورش تفکر تحلیلی
	پرورش تفکر ریزبینی در دانش آموزان، پرورش تفکر استدلالی در دانش آموزان، پرورش تفکر چند زاویه ای در دانش آموزان، پرورش تفکر جامع نگر در دانش آموزان، پرورش تفکر چند بُعدی در یادگیری محتوا، پرورش تفکر واگرا در یادگیری محتوا، پرورش تفکر همگرا در یادگیری محتوا، پرورش تفکر فرآوری در دانش آموزان، پرورش تفکر سراسری در یادگیری محتوا، پرورش تفکر کلی در یادگیری محتوا، پرورش تفکر جزئی در یادگیری محتوا، پرورش تفکر راهبردی در یادگیری محتوا، پرورش تفکر سازنده گرایی در یادگیری محتوا، پرورش تفکر معکوس در یادگیری محتوا، پرورش تفکر عین سازی در یادگیری محتوا، پرورش تفکر مفهوم سازی در یادگیری محتوا، پرورش تفکر طبیعت گرایی در دانش آموزان	تفکر چند بُعدی

<p>پرورش سعه صدر، پرورش پرورش روحیه تواضع در بحث، پرورش روحیه مناظره و بحث، پرورش روحیه تحلیل نظرات، پرورش روحیه فهم بیشتر نظرات، پرورش روحیه فهم فلسفه دیدگاهها، پرورش روحیه تحقیق بیشتر، پرورش روحیه بهبود آستانه تحمل، پرورش روحیه دوری از تعصب های بی جهت و فردی، پرورش روحیه دوری از یکجانبه نگری، پرورش روحیه گشاده رویی در یادگیری، پرورش روحیه تأمل در یادگیری، پرورش روحیه مطالعه دقیق پدیده ها و موضوعات یادگیری</p>	<p>آموزش نحوه پرورش روحیه مطالعه و تحقیق</p>	
<p>روحیه صبر داشتن، پرورش روحیه تأمل بر نظرات مخالف، پرورش روحیه عدم تعجیل در یادگیری، پرورش روحیه عدم تعجیل در مخالفت،</p>	<p>آموزش صبر و تحمل</p>	<p>آموزش روح فلسفی</p>
<p>آموزش نحوه بیان ارزش اهداف یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش شیوه های یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش ابزارهای یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش فعالیت های یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش فرصت های یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش ابعاد یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش مؤلفه های یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش ارزشیابی یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش فرایندهای یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش سازوکارهای یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش محتوای یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش پژوهش در یادگیری، آموزش نحوه بیان ارزش تعامل با دیگران در یادگیری، آموزش نحوه برداشت نقاط ضعف محتوای یادگیری، آموزش نحوه برداشت نقاط مثبت محتوای یادگیری</p>	<p>آموزش ارزش های برنامه درسی</p>	
<p>آموزش اخلاق گفتمان برای یادگیری بیشتر، آموزش اخلاق مشاهده مصادیق یادگیری، آموزش اخلاق تحلیل محتوای یادگیری، آموزش اخلاق قضاوت در رابطه با محتوای یادگیری، آموزش اخلاق استفاده از محتوای یادگیری، آموزش اخلاق متن کاوی، آموزش اخلاق امانت داری یادگیری، آموزش اخلاق عقل گرایی در یادگیری، آموزش اخلاق بازخورد دهی شناختی در یادگیری، آموزش اخلاق بازخورد دهی عاطفی در یادگیری، آموزش اخلاق بازخورد دهی روانی - حرکتی در یادگیری، آموزش اخلاق شنیداری مطالب یادگیری، آموزش اخلاق مستندکاوی مطالب درسی، آموزش اخلاق برداشت منطقی، آموزش اخلاق مراعات در پژوهش، آموزش اخلاق جستجوگری منابع درسی، آموزش اخلاق ارزشگذاری محتوای درسی، آموزش اخلاق ثبت وضبط کردن محتوای یادگیری، آموزش اخلاق بهره گیری از اتفاق آرای برای فهم بیشتر، آموزش اخلاق نقل قول کردن از محتوای درسی، آموزش اخلاق یادگیری از دیگران، آموزش اخلاق یادگیری یکپارچه و منسجم، آموزش اخلاق داشتن نظم در یادگیری، آموزش اخلاق فهم عمیق محتوای درسی، آموزش اخلاق ارتباط دادن محتوا و مطالب یادگیری به یکدیگر، آموزش اخلاق داشتن وحدت در تفکر، آموزش اخلاق رسیدن به پختگی در یادگیری، آموزش اخلاق نداشتن خودشیفتگی در یادگیری</p>	<p>آموزش اخلاق یادگیری</p>	

براساس جدول فوق، شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک مبتنی بر ۶ گد گزینشی) آموزش سازوکارهای یادگیری، آموزش بازنگری عناصر برنامه درسی، درگیری ذهنی، آموزش فراشناختی، تفکر ورزی، آموزش روح فلسفی) و ۱۷ گد محوری (آموزش خودنظارتی، آموزش خودراهبری، آموزش صبر و تحمل، آموزش ارزش های برنامه درسی، آموزش نحوه پرورش روحیه مطالعه و تحقیق، پرورش تفکر تحلیلی، پرورش تفکر چند بُعدی، آموزش نحوه درگیری ساختاری، آموزش بازنگری مسیر یادگیری، آموزش بازنگری زمینه برنامه درسی، آموزش

انتخاب ابزارها بر حسب سطح یادگیری، آموزش انتخاب ابزارها بر حسب فعالیتها، تفکر خودانتقادی در یادگیری، درگیری شناختی، درگیری روانی-حرکتی، درگیری عاطفی آموزش اخلاق (یادگیری) بوده است.

جدول ۲. شرایط زمینه ای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک

شرایط	گزینه‌های	گدهای محوری	گدهای باز
زمینه ای	زمینه انگیزشی	رتبه بندی	رتبه بندی معلمان بر اساس کنشگری علمی، رتبه بندی معلمان بر اساس کنشگری درس پژوهی، رتبه بندی معلمان بر اساس کنشگری اقدام پژوهی
شرایط	زمینه یادگیری	مدیریت دانش	به اشتراک گذاری تجربیات یاددهی-یادگیری، تسهیم تجربیات یاددهی-یادگیری، ذخیره سازی تجربیات یاددهی-یادگیری، نگهداری تجربیات یاددهی-یادگیری

براساس جدول فوق، شرایط زمینه ای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک مبتنی بر ۲ گد
گزینه‌های زمینه انگیزشی و زمینه یادگیری سازمانی و دو گد محوری رتبه بندی و مدیریت دانش بوده است.

شرایط راهبردی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک کدامند؟

جدول ۳. شرایط راهبردی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک

شرایط	گزینه‌های	گدهای محوری	گدهای باز
راهبردی	راهبرد آگاه سازی	دردسترس قراردادن	دردسترس قرار دادن رویه های نمایشی، دردسترس قرار دادن رویه های نمایشی، دردسترس قرار دادن رویه های نمایشی
راهبردی	راهبرد توانمندسازی	برگزاری دوره های آموزشی	توانمندسازی آموزشی به شیوه کارگاههای حضوری، توانمندسازی آموزشی به شیوه کارگاههای غیرحضوری (آنلاین)، توانمندسازی آموزشی به شیوه برگزاری سمینارها، توانمندسازی آموزشی به شیوه برگزاری نشست ها، توانمندسازی آموزشی به شیوه راه اندازی انجمن های علمی، توانمندسازی آموزشی به شیوه راه اندازی شوراهای تخصصی

براساس جدول فوق، شرایط راهبردی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک مبتنی بر ۲ گد
گزینه‌های راهبردی آگاه سازی رویه های و راهبرد توانمندسازی و دو گد محوری دردسترس قراردادن رویه ها و برگزاری دوره های آموزشی بوده است.

شرایط مداخله ای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک کدامند؟

جدول ۴. شرایط مداخله ای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک

شرایط	گزینه‌های	گدهای محوری	گدهای باز
مداخله ای	ناتوانی روانشناختی	بی انگیزگی	بی حوصلگی معلمان، بی توجهی به منزلت شغلی معلمان، مشغله های زندگی، بی عدالتی نسبت به زحمات معلمان، گلايه داشتن معلمان در نحوه ارزیابی از زحمات آنها
مداخله ای	ناتوانی شناختی	ضعف آگاهی معلمان	ضعف دانش معلمان برای طراحی آموزشی مبتنی بر فیک، ضعف دانش معلمان برای اجرای طرح آموزشی فیک، ضعف دانش معلمان برای ارزشیابی آموزشی مبتنی بر فیک، ضعف بودن دانش معلمان نسبت به فلسفه آموزش مبتنی بر فیک

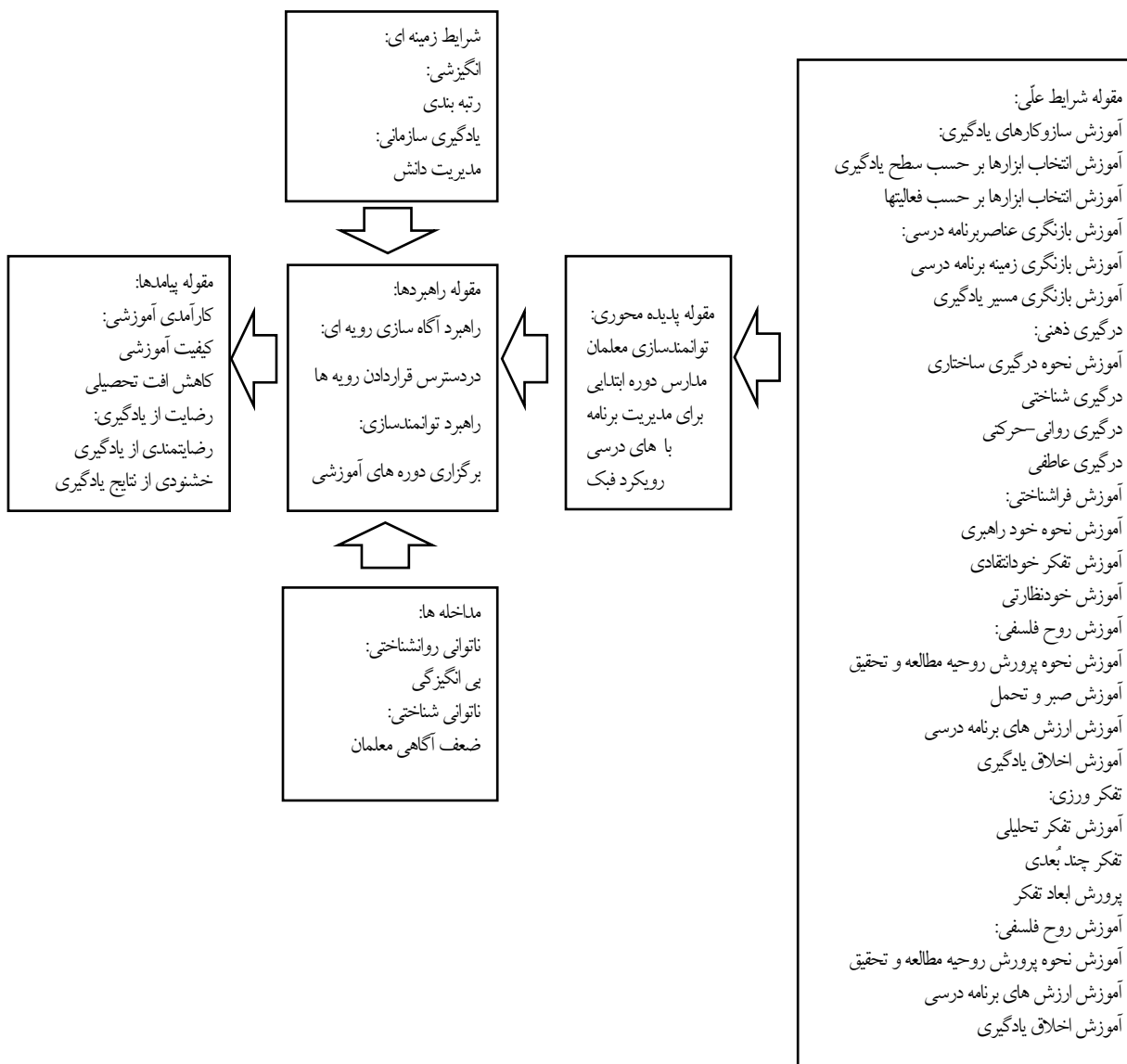
براساس جدول فوق، شرایط مداخله ای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک مبتنی بر ۲ گد
گزینشی ناتوانی شناختی و ناتوانی روانشناختی و ۲۴ گد محوری بی انگیزگی و ضعف آگاهی معلمان بوده است.
پیامدهای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک کدامند؟
جدول ۵. پیامدهای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک

گدهای گزینشی	گدهای محوری	گدهای باز
کارآمدی آموزشی	کیفیت آموزشی	کارآمدی درونی آموزشی، کارآمدی بیرونی آموزشی، درک عمیق تر یادگیری در دانش آموزان،
رضایت از یادگیری	کاهش افت تحصیلی	کاهش افت تحصیلی دانش آموزان ، افزایش نرخ قبولی دانش آموزان، افزایش نرخ گذر از یک دوره به دوره بالاتر بهبود رضایتمندی از نتایج یادگیری، بهبود خشنودی از نتایج یادگیری
	رضایتمندی از یادگیری	
	خشنودی از نتایج یادگیری	

براساس جدول فوق، پیامدهای توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک مبتنی بر ۲ گد گزینشی
کارآمدی آموزشی و رضایت از یادگیری و ۴ گد محوری کیفیت آموزشی، کاهش افت تحصیلی، رضایتمندی از یادگیری و خشنودی از نتایج یادگیری بوده
است.

سؤال دوم تحقیق

مدل پارادایمی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک چگونه است؟



شکل ۱. مدل پارادایمی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک بر اساس گُدهای گزینشی و محوری (منبع: یافته های تحقیق)

بحث و نتیجه گیری

فقدان مربیان آموزش دیده و ماهر برای آموزش فلسفه به کودکان، از مشکلات اجرایی فیک است (فراهانی، ۲۰۱۴). بر اساس یافته ها یکی از شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک، آموزش سازوکارهای یادگیری بوده است. نتایج تحقیق با مطالعات (صابری، و همکاران، ۱۳۹۹؛ بارو، ۲۰۱۵) همسویی داشته است. بنابه مطالعات آنها توانمندسازی معلمان برای اجرای برنامه های درسی مبتنی بر فیک وابسته به آموزش روش های یاددهی-یادگیری است. آموزش به معلمان برای اجرای فیک به آنها کمک می کند که نحوه صحبت کردن و گفتگو با کودکان را در فرایندهای یاددهی-یادگیری بیاموزند و از هر نوع برخورد شتاب زده با آنها دوری کنند.

یکی از شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک، آموزش بازنگری عناصر برنامه درسی بوده است. نتایج تحقیق با مطالعات (گوراد، سیدوکی و سی، ۲۰۱۸) همسویی داشته است. بنابه مطالعات آنها بازنگری عناصر برنامه درسی با بلوغ فکری در رابطه است و از اینرو مادامی که معلمان نحوه بازنگری عناصر برنامه های درسی را آموزش ببینند، تا حدی از بلوغ فکری برای تدریس به کودکان و فراگیران برخوردار می شود.

یکی از شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک، درگیری ذهنی در برنامه های درسی بوده است. نتایج تحقیق با مطالعات (دهسلمی، خزاعی و شیبک، ۱۳۹۹؛ کم، ۲۰۱۴) همسویی داشته است. بنابه مطالعات آنها توانمند سازی معلمان برای اجرای فیک مستلزم درگیری ذهنی در برنامه های درسی است. درگیری ذهنی به معنای فلسفه ورزی معلمان در فرایندهای یاددهی-یادگیری است که هدفش پرورش قدرت تفکر و استدلال در کودکان است. در چنین حالتی تحول در آموزش و پیشرفت در این رابطه پدیدار می شود. درگیری ذهنی موجب می شود که بستری برای نقد و بررسی محتوای درس مبتنی بر منابع فلسفی، تربیتی و روان شناختی، با در نظر گرفتن آموزه های حکمت اسلامی برای معلمان فراهم شود.

یکی از شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک، آموزش فراشناختی بوده است. نتایج تحقیق با مطالعات (شفیعی بهنمیری، ماهروزاده، و ستاری، ۱۳۹۸؛ جواهری، ۱۳۹۹؛ فیشر، ۲۰۱۳) همسویی داشته است. بنابه مطالعات آنها توانمندسازی معلمان برای اجرای فیک مستلزم پای بند به اصل حرکت و پیش روی در یاددهی و یادگیری، پای بندی به ایجاد رفاقت به جای رقابت، پای بندی به مسئله گشایی و یادگیری اکتشافی و مهارت پایانی، پای بندی به اصل دانش آموز محوری و یادگیری مشارکتی است. آموزش مهارتهای شناختی و فراشناختی در سند تحول بینادین آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته است. چنانکه توانایی های ذهنی دانش آموزان را توسعه می دهد تا حدی که می توانند به درک و فهم مفاهیم و معانی پدیده های مورد مطالعه بپردازند و از اینرو ذهنیت روشنی برای زندگی آینده در آنها پدید می آید.

یکی از شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فیک، تفکر ورزی بوده است. نتایج تحقیق با مطالعات (عظیمی، سیفی، صامصونچی و حفظ اللسان، ۱۳۹۴؛ عابدی، نوروزی، حیدری و مهرابی، ۱۳۹۶؛ کلهر و مهران، ۱۳۹۶؛ کارادوگ و دیمیرتاس، ۲۰۱۸؛ راهدار، پورقاز و مرزبار، ۲۰۱۸) شناختی (شامل تفکر عاطفی و تفکر هنجاری)، عاطفی (شامل تفکر همدلانه، تفکر مبتنی بر قدرشناسی و تفکر عاطفی) و عملی (شامل تفکر فعال) شناختی (شامل تفکر عاطفی و تفکر هنجاری)، عاطفی (شامل تفکر همدلانه، تفکر مبتنی بر قدرشناسی و تفکر عاطفی) و عملی (شامل تفکر فعال) همسویی داشته است. بنابه مطالعات آنها آموزش کودکان نیازمند معلمانی است که تفکر کودکان را در ابعاد شناختی (شامل تفکر عاطفی و تفکر هنجاری)، عاطفی (شامل تفکر همدلانه، تفکر مبتنی بر قدرشناسی و تفکر عاطفی) و عملی (شامل تفکر فعال) پرورش دهند. رشد و توسعه مهارتهای تفکر انتقادی دانش آموزان منجر به تقویت قدرت تحلیل محتوای درسی مورد مطالعه در آنها می گردد.

یکی از شرایط علی توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک، آموزش روح فلسفی بوده است. نتایج تحقیق با مطالعات (صابری، و همکاران، ۱۳۹۹؛ تورگون، ۲۰۱۲؛ هینز و موريس، ۲۰۱۱؛ گئور، ۲۰۱۱؛ گولدينگ، ۲۰۱۱) همسویی داشته است. بنابه مطالعات آنها آموزش با رویکرد فبک موجب می شود که اخلاق گفتگو و بحث در دانش آموزان بهبود توسعه و بهبود یابد تا حدی که از هر قضاوت و پیش داوری عجولانه دوری ورزند. این در حالی است که از سوی مربیان تلاش شود که تفکر تحلیلی و انتقادی در کودکان رشد یابد و این هم مستلزم توانمندسازی معلمان برای بهبود روح فلسفی و مهارتهای نقد و تحلیل است (شارپ، ۲۰۱۰).

پیشنهادهای تحقیق

به منظور توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک، سازوکارهای یادگیری به آنها آموزش داده شود. به منظور توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک، نحوه بازنگری عناصر برنامه درسی به معلمان آموزش داده شود.

به منظور توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک، نحوه درگیری ذهنی در برنامه های درسی به آنها آموزش داده شود.

به منظور توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک، مهارتهای فراشناختی به آنها آموزش داده شود. به منظور توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک، نحوه تفکر ورزی به معلمان آموزش داده شود. به منظور توانمندسازی معلمان مدارس دوره ابتدایی برای مدیریت برنامه های درسی با رویکرد فبک، درونی سازی روح فلسفی به معلمان آموزش داده شود.

References

- Abedi, Munira; Noroozi, Reza Ali; Heydari, Mohammad; Mehrabi, Hossein Ali (۲۰۱۶). "Presenting a conceptual model of the relationship between philosophy for children (based on the dimension of care thinking) and emotional intelligence", Scientific-Research Quarterly of Educational Innovations, Hossein Arhem ۶۵, ۱۷th year, spring, pp. ۱۵-۱۳۱.
- Azimi, Mohammad; Seifi, Ibrahim; Samsonchi, Mohammadreza; Hefz al-Lsan, Mohammad Reza (۲۰۱۴). "Investigating the empowerment of teachers and its effect on improving the level of education and upbringing", applied scientific researches in the sciences and psychology and social harms of Iran, Tehran.
- Barrow, W. (۲۰۱۵). 'I think she's learnt how to sort of let the class speak': Children's perspectives on Philosophy for Children as participatory pedagogy. *Thinking skills and creativity*, 17, ۷۶-۸۷.
- Cam, P. (۲۰۱۴). Philosophy for children, values education and the inquiring society. *Educational Philosophy and Theory*, 46(۱۱), ۱۲۰۳-۱۲۱۱.
- Canuto, A. T. (۲۰۱۸). Developing children's reasoning and inquiry, concept analysis, and meaning-making skills through the community of inquiry. *Childhood & philosophy*, 14(۳۰), ۴۲۷-۴۵۲.
- Dehsalmi, Zahra; Khazaei, Fatima. Shibek, Faezeh (۲۰۱۹). "Febak and creation of new education", the first national conference of virtual education in the field of education, Rafsanjan
- Demirel, M. Derman, I. & Karagedik, E. (۲۰۱۵). A Study on the Relationship between Reflective Thinking Skills towards Problem Solving and Attitudes towards Mathematics. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۱۹۷, ۲۰۸۶-۲۰۹۶.
- Farahani, M. (۲۰۱۴). "The Study on Challenges of Teaching Philosophy for Children", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. ۱۱۶, pp. ۲۱۴۱-۲۱۴۵.
- Fisher, R. (۲۰۱۳). *Teaching thinking: Philosophical enquiry in the classroom*. A&C Black.
- Gandom kar, world; Hashemi, Seyyed Ahmed; Zakipour, Ruin Tan (۲۰۱۴). "Presenting a model for teaching critical thinking to the students of Mathew Lipman's Philosophy for Children (P4C)", International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences, November, Tehran.
- Ghasemi, Farshid. Zare, Zahra and Hachit, Shahrabano (۲۰۱۳). "Comparison of the effect of Iranian and non-Iranian philosophical stories and Ali stories on the development of philosophical thinking of children in the first grade of elementary school", *Scientific Research Quarterly Journal of New Approaches in Educational Management*, ۲, ۱, pp. ۷۹۹-۷۱۲.
- Golding, c, (۲۰۱۱). *Educating Philosophically: The educational theory of Philosophy for Children*, *Educational Philosophy and Theory*, Vol. ۴۳, No. ۵.

Gorard, S., Siddiqui, N., & See, B. H. (۲۰۱۸). Philosophy for Children: Evaluation report and executive summary.

Gur, Cagla (۲۰۱۱). Philosophy in the early years, Social and Behavioral Sciences, ۱۲, ۵۰۱-۵۱۱

Haynes, J. & Murriss, K. (۲۰۱۱), "The provocation of an epistemological shift in teacher education through philosophy with children", Journal of philosophy of education, Vol. ۴۵, No. ۲. pp. ۲۸۵-۳۰۳.

Haynes, J. (۲۰۰۲). Children as philosophers. Routledge Falmer, London

Hedayati, Mehrnoosh (۲۰۱۳). "Comparative study of teacher training courses of the "Philosophy for Children" program in Iran and leading countries and providing a suitable model for Iran." and summer, pp. ۱۳۸-۱۰۵

Hosseini, Seyyed Hassam (۲۰۰۸). Examining different philosophies in the education program for children and its relationship with the primary school curriculum, Master's thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran.

Javaheri, Farzin (۲۰۱۹). "Evaluation of general and specific skills in coaching philosophy for children", the second festival of the best works of Islamic humanities, special award of Allameh Jafari (R.A.), Tehran.

Kalhor, Mansoura; Mehran, Golnaz (۲۰۱۶). "The effect of concept map strategy on students' critical thinking skills", scientific-research quarterly of educational psychology of Allameh Tabataba'i University, Tehran, year ۱۳, number ۴۴, summer, pp. ۱۷۲-۱۵۳

Karadağ, F., & Demirtaş, V. Y. (۲۰۱۸). The Effectiveness of The Philosophy with Children Curriculum on Critical Thinking Skills of Pre-School Children. *Education & Science/Eğitim ve Bilim*, 43(۱۹۵).

Lipman, Matthew (۲۰۰۳). Thinking In Education. Cambridge University Press. Second Edition

Marashi, Mansour (۲۰۰۶). "The effect of research community on the development of reasoning skills of the third-grade middle school boys of Ahvaz". ۷th Annual Conference of Curriculum Studies Association: pp. ۷۹۱-۷۳۹

Naji, Saeed; Askari, Samaneh; Fard, Mahsa (۱۴۰۲). "Philosophical exploration for children", Lega Publications, second edition.

Naqd Ali, Mohsen; Panahi, Zahra (۲۰۱۳). "Relationship of the research community in the philosophy program for children with active and participatory teaching methods", Scientific-Research Quarterly Journal of Thinking and Children, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, second year, number two, autumn and winter. pp. ۱۲۶-۱۰۱

Nowrozi, Reza Ali; Nasrati Hesh, Kamal; Abbaspour, Nafiseh, Hosni, Mihan (۲۰۱۴). "The effect of the implementation of philosophy teaching program to children on the growth of female students

in Isfahan city", biannual scientific-educational journal of educational sciences from the perspective of Islam, third year. , number ۳, autumn and winter, pp. ۷۵-۵۵

Rahdar, A., Pourghaz, A., & Marziyeh, A. (۲۰۱۸). The Impact of Teaching Philosophy for Children on Critical Openness and Reflective Skepticism in Developing Critical Thinking and Self-Efficacy. *International Journal of Instruction*, 11(۳), ۵۳۹-۵۵۶.

Saberi, Elham; Abbasi, Efat; Qaidi, Yahya; Ali Asgari, Majid (۲۰۱۹). "Designing and validating the model of philosophy curriculum for children in the first year of secondary school in Iran", two scientific-research quarterly journals of thinking and children, ۱۱th year, number ۲ (۲۲ in a row), autumn and winter, p. ۱۵۷-۱۱۷

Shafii Behnmiri, Sayeda Fatemeh; Mahrozadeh, Tayyaba; Sattari, Ali (۲۰۱۸) -.۵۳

Sharp, A. (۲۰۱۰). Studies in philosophy for children: Harry Stottlemeier's discovery. Temple University Press.

Tannah, Haditha Ahmadi, Hossein (۲۰۱۶). "Analysis of philosophy program for children: emphasis on curriculum elements, principles, content, teaching method, teacher, student", the third national conference of modern studies and researches in the field of educational sciences and psychology in Iran

Trickey, S., & Topping, K. J. (۲۰۰۴). 'Philosophy for children': a systematic review. *Research papers in Education*, 19(۳), ۳۶۵-۳۸۰.

Turgeon, W. C. (۲۰۱۲). The Place of 'Philosophy' in Preparing Teachers to Teach Pre-college Philosophy-Notes for a conversation. *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 32(۲), ۶۸-۷۴.
